

بررسی جریان‌های مختلف آموزش عالی در ایران

طیبه فیروزکوهی مقدم

سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور

چکیده

هدف اساسی این بررسی تحلیل ضرورت نیاز به وجود جریان‌های مختلف آموزش عالی (یا نظام‌های مختلف آموزش عالی) و اثربخشی آنها در شرایط فعلی است. در این بررسی ضمن مطالعه تطبیقی جریان‌های مختلف آموزش عالی در کشورهای منتخب، با استفاده از منابع و مدارک موجود از جمله اساسنامه‌ها، آیین‌نامه‌ها، گزارشات تحلیلی در زمینه‌های کمی و کیفی مربوط به فعالیت جریان‌های مختلف آموزش عالی (دولتی - حضوری، دولتی نیمه حضوری، فنی - حرفه‌ای، علمی - کاربردی، وابسته به سایر وزارتخانه‌ها و...، غیردولتی - آزاد، غیردولتی - غیرانتفاعی و سایر...) در ایران، به توصیف و مقایسه ابعاد مختلف آنها پرداخته و تحولات ایجاد شده در عرضه نیروی انسانی متخصص توسط این جریان‌ها را مورد ارزیابی و مقایسه با اهداف خود و اهداف برنامه قرار داده است.

بررسی‌های انجام شده نشان داده است که:

— کلیه جریان‌های عرضه آموزش عالی از جریان عرضه آموزش عالی دولتی - حضوری الگوبرداری کرده‌اند و فعالیتی مشابه این جریان را از نظر شیوه پذیرش، شیوه آموزش و ... داشته‌اند.

— گسترش و توسعه جریان‌های مختلف عرضه آموزش عالی از بدو فعالیت تاکنون نامتوازن و خطی بوده است این عملکرد غالباً با تاسیس و راه‌اندازی فزاینده مراکز جدید آموزش عالی

وابسته به هر جریان و افزایش تعداد رشته‌های تحصیلی، تعداد پذیرفته شدگان، دانشجویان و فارغ‌التحصیلان آن بازتاب یافته است.

— هدف اصلی فعالیت جریان‌ها توسعه کمی بوده است. تحقق این هدف به ویژه در بخش دولتی — نیمه حضوری و غیردولتی غالباً از هدف‌های کمی پیش‌بینی شده در برنامه‌های توسعه فراتر رفته است.

— علیرغم آن که «ارتقاء کیفیت» یکی از اهداف اصلی در کلیه برنامه‌های توسعه بلند مدت بخش آموزش عالی بوده است، لیکن محاسبه شاخص‌های کیفی مربوط به جریان‌ها گویای افت کیفی در آنهاست.

— علیرغم توسعه آموزش‌های عالی علمی — کاربردی به موازات آموزش‌های فنی — حرفه‌ای، سمت و سوی فعالیت این جریان در تامین و آموزش نیروی انسانی متخصص مورد نیاز در مجموعه نظام آموزش عالی و برنامه‌های توسعه مشخص نیست.

— میزان انعطاف‌پذیری برخی از جریان‌ها از نظر شیوه‌های پذیرش و آموزش، دامنه گسترش رشته‌های تحصیلی، تامین منابع مالی و ۰۰۰ در ارتباط با تحولات پیش آمده در دوره فعالیت آنان بسیار محدود بوده است.

— روش‌های آموزشی و امکانات پیش‌بینی شده برای برخی از جریان‌ها (از جمله آموزش عالی از راه دور) منطبق با نظام آموزشی طراحی شده برای آن جریان‌ها نبوده است.

— کیفیت برخی از جریان‌های آموزش عالی مانند دوره‌های معادل به دلیل پیش‌بینی نکردن و یا حذف برخی از الزامات اصلی در برنامه‌ریزی درسی آنان مانند حذف رساله در دوره‌های کارشناسی ارشد معادل مورد تردید بیشتری است.

— نظارت و ارزیابی بر نحوه عملکرد هر یک از جریان‌ها در بخش آموزش عالی بسیار مبهم است انجام این وظیفه می‌توانست موجب اصلاح جریان‌ها همزمان با فعالیت آنها باشد. در پایان نیز با توجه به نتایج حاصل، پیشنهاداتی ارائه شده است.

مقدمه

یکی از پیوندهای اصلی بین نظام آموزش عالی و جامعه‌ای که در آن کار می‌کند این است که نظام آموزش عالی فارغ‌التحصیلانی صاحب صلاحیت را در زمینه‌های مختلف تخصصی برای فعالیت در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن جامعه عرضه نماید [۱]. از سوی دیگر نظام آموزش عالی مصرف نوع مهمی از سرمایه‌گذاری در منابع انسانی است که با فراهم آوردن و ارتقاء بخشیدن دانش، مهارت‌ها و نگرش‌های مورد نیاز کارکنان ارشد فنی، حرفه‌ای و مدیریتی به توسعه اقتصادی کمک می‌کند و از این راه نه تنها موجب ترویج و انتقال دانش می‌شود بلکه با پیشرفت‌های تحقیقاتی، تکنولوژیکی و علمی، دانش

جدیدی نیز به وجود می‌آورد [۲]. از این رو برنامه‌ریزی‌های آموزش عالی به منظور عرضه نیروی انسانی متخصص و ماهر از توجه خاصی هم در کشورهای پیشرفته و هم در کشورهای در حال توسعه برخوردار است. همزمان با این روند، توجه به کمبود نیروی انسانی متخصص، نگرانی‌هایی در مورد عرضه وسیع فارغ‌التحصیلان در بسیاری از کشورها به وجود آورده است، چرا که در پی گسترش سریع جریان‌های مختلف آموزش عالی، فرصت‌های اشتغال تحت تاثیر رکود اقتصادی یا عوامل وابسته به آن، کاهش یافته است.

در حال حاضر جریان‌های متنوع از آموزش عالی در قلمرو وسیعی از رشته‌ها و مقاطع تحصیلی توسط دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی مختلف ارائه می‌شود. اما برای این که بدانیم این جریان‌ها در نظام عرضه نیروی انسانی می‌توانند پاسخگوی مهمترین مسئولیت اجتماعی خود، یعنی تربیت نیروی انسانی متخصص و مورد نیاز باشند، مطالعات و بررسی‌های متعددی می‌بایست انجام پذیرد. یکی از این اقدامات شناسایی و بررسی جریان‌های مختلف آموزش عالی در تحلیل و پیش‌بینی نظام عرضه است. این کار زمینه شناخت توانمندی‌ها و نارسایی‌های نظام عرضه نیروی انسانی متخصص را فراهم می‌آورد و لزوم توجه بیشتر به هدایت و برنامه‌ریزی نظام آموزش عالی در جهت ارتقای کارایی و اثربخشی آن را ضروری می‌سازد. مقاله حاضر حاصل بررسی‌هایی است که در این زمینه صورت گرفته است.

۱ - هدف تحقیق حاضر

در سراسر جهان دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی به شکل‌های متفاوتی گسترش یافته‌اند. ریشه‌های این تفاوت از یک سو در اهدافی است که جوامع برای دانشگاه‌ها تعیین نموده‌اند و از سوی دیگر در سازمان آموزش حرفه‌ای بیرون از دانشگاه‌ها نهفته است. دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی در ایران معمولاً ترکیبی از دانشگاه، دانشکده، موسسه، آموزشکده و مرکز آموزش عالی هستند که شکل‌های متنوعی از آموزش‌های عالی را در سطوح مختلف ارائه می‌کنند و هر یک از آنان با توجه به اهداف مشخص شده‌ای علاوه بر کمک به ارتقاء سطح فرهنگ و دانش جامعه، پاسخگویی به تقاضای اجتماعی و رسالت تربیت نیروی انسانی متخصص را به منظور ارتقاء دانش کار و انجام مهارت‌ها در دوره‌ها و

تخصص‌های مختلف و یا به عبارت دیگر عرضه نیروی انسانی متخصص را به عهده دارند. لیکن عدم همسویی بین اهداف و عملکرد آنها موجب توسعه جریان‌های آموزشی همشکل از یک سو و عدم تناسب بازدهی این جریان‌ها (فارغ‌التحصیلان) با تغییرات مورد نیاز بازار کار از سوی دیگر شده است.

یکی از مسائلی که در نظام آموزش عالی کشور مطرح است، تردید در مورد ضرورت وجود جریان‌های مختلف آموزش عالی است. منظور اساسی این بررسی نیز تحلیل ضرورت نیاز به این جریان‌ها و اثربخشی آنها در شرایط فعلی است.

۲- سؤالات تحقیق

- به منظور پاسخگویی به هدف این تحقیق سؤالات زیر در نظر گرفته شده است:
- آیا جریان‌های مختلف آموزش عالی منطبق با اهداف (کمی، کیفی) پیش‌بینی شده برای آنها (اساسنامه تاسیس) عمل کرده‌اند؟
- عملکرد جریان‌های مختلف آموزش عالی در مقایسه با اهداف برنامه (دولتی، دولتی نیمه حضوری، غیردولتی) چگونه است؟
- جریان‌های مختلف آموزش عالی از انعطاف لازم برای انطباق با تغییرات مورد نیاز بازار کار برخوردار هستند؟
- آیا روش‌های آموزشی و امکانات پیش‌بینی شده برای جریان‌های مختلف آموزش عالی مطابق عملکرد آنها در این زمینه بوده است؟
- جریان‌های مختلف آموزش عالی در سایر کشورهای جهان چگونه عمل می‌کنند؟

۳- اصطلاحات اصلی مورد استفاده در این تحقیق:

- جریان‌های مختلف آموزش عالی: منظور از جریان‌های مختلف آموزش عالی، انواع آموزش‌های ارائه شده در مقطع سوم آموزشی می‌باشد. این آموزش‌ها در دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی وابسته به سه وزارتخانه علوم، تحقیقات و فناوری، بهداشت، درمان و

آموزش پزشکی و آموزش و پرورش. آموزش‌های علمی - کاربردی، مراکز آموزش عالی دستگاه‌های اجرایی، دانشگاه آزاد اسلامی و موسسات غیرانتفاعی ارائه می‌گردد.

— عرضه: مقادیری از کالا و خدمات (یا نیروی کار) که مجموعه تولید کنندگان آنها (نظام آموزش عالی در مورد نیروی کار) حاضرند با قابلیت‌های کمی و کیفی متفاوت در قیمت‌های متفاوت ارائه نمایند.

— اثربخشی: میزان توافق رفتار اجتماعی مشهود (عملکرد) با انتظارات نقش معین سازمانی (هدفها) است [۳].

۴- روش بررسی

این تحقیق با استفاده از روش توصیفی^۱ انجام شده است. در این بررسی ابتدا تصویری از عملکرد نهادهای مختلف آموزشی در دوران‌های مختلف تاریخی، چگونگی شکل‌گیری و پیدایش جریان‌های مختلف آموزش عالی در جهان و ایران ارائه شد و ضمن شناسایی برخی از واقعیت‌های جهان آموزش عالی از جمله رویکردهای موثر بر این شکل‌گیری، اشکال متنوع جریان‌های آموزش عالی در نظام آموزش عالی معرفی گردید. سپس ضمن بررسی جریان‌های مختلف آموزش عالی در کشورهای منتخب (۱۰ کشور)^۲، با استفاده از منابع و مدارک موجود از جمله اساسنامه‌ها، قوانین، آیین نامه‌ها و گزارشات عملکردی و تحلیلی در زمینه‌های کمی و کیفی مربوط به فعالیت این جریان‌ها در ایران، به توصیف و مقایسه ابعاد مختلف آنها پرداخته شد و تحولات ایجاد شده در عرضه نیروی انسانی متخصص مورد نیاز توسط این جریان‌ها با توجه به وابستگی سازمانی آنها مورد ارزیابی و مقایسه با اهداف خود و اهداف برنامه قرار گرفت.

قلمرو موضوعی: بررسی و شناسایی جریان‌های مختلف آموزش عالی و مطالعه اطلاعات و دیدگاهها در مورد هر یک از جریان‌های آموزشی برحسب نوع وابستگی سازمانی، هدف تاسیس، سطوح تحصیلی، گروههای آموزشی، نحوه فعالیت آموزشی (شیوه پذیرش، شیوه

1- descriptive Research

۲- کشورهای فرانسه، انگلیس، شوروی سابق، ایالات متحده امریکا، کوبا، مصر، استرالیا، مالزی، آلمان و ژاپن.

آموزش، شیوه ارائه مدارک تحصیلی)، نحوه تامین اعضاء هیات علمی، نحوه تامین منابع مالی، ارکان سازمانی و عملکردهای کمی آنها موضوعات اصلی مورد بررسی در این پژوهش است. قلمرو زمانی: به منظور بررسی عملکردهای کمی مقاطع زمانی ۶۹-۱۳۶۸، ۷۳-۱۳۷۲، ۷۵-۱۳۷۴ و ۷۸-۱۳۷۷ که منطبق با سالهای شروع و خاتمه برنامه اول و دوم توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی می باشد انتخاب گردیده است.

قلمرو سازمانی: با توجه به گوناگونی جریانهای عرضه آموزش عالی در نظام آموزش عالی کشور، جریانهای عرضه آموزش عالی در این پژوهش به لحاظ وابستگی سازمانی به شرح زیر مورد بررسی قرار گرفته:

— جریانهای عرضه آموزش عالی دولتی - حضوری، پزشکی و غیرپزشکی (روزانه و شبانه).

— جریانهای عرضه آموزش عالی دولتی - فنی، حرفه‌ای، علمی - کاربردی.

— جریانهای عرضه آموزش عالی دولتی - وابسته به سایر وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی.

— جریانهای عرضه آموزش عالی دولتی - نیمه حضوری (پیام نور).

— جریانهای عرضه آموزش عالی غیردولتی (دانشگاه آزاد و موسسات آموزش عالی غیرانتفاعی).

— سایر جریانهای عرضه نیروی انسانی متخصص (دوره‌های معادل و آزاد).

۵- یافته‌های تحقیق:

۵-۱- بررسی جریانهای مختلف آموزش عالی در کشورهای منتخب نشان می‌دهد که:

— جریانهای عرضه آموزش عالی در این کشورها هر چند به کارآیی و اثربخشی فعالیت‌های خود توجه نموده‌اند لیکن همه کشورها به طور یکسان به این دو جنبه حساس نبوده‌اند.

— جریانهای عرضه آموزش عالی دولتی - حضوری در اکثر کشورهای مورد بررسی وجه غالب را دارد.

— تکنولوژی مورد استفاده در جریان آموزش عالی نیمه حضوری در کشورهای منتخب پیشرفته‌تر از شرایط موجود در ایران است.

— آموزش‌های طبقه‌بندی شده تحت عنوان علمی - کاربردی در اکثر کشورهای مورد بررسی ارتباط بیشتری با بخش‌های تولیدی و آن کشور داشته است و میزان مشارکت این بخش‌ها با بخش متولی تربیت نیروی انسانی نزدیک‌تر است.

— ارائه مدرک رسمی به شیوه تمام جریان‌های آموزش عالی در ایران در برخی از کشورهای مورد بررسی، مورد نظر نیست و پاره‌ای از آموزش‌های ارائه شده (از جمله آموزش‌های آزاد) به صدور گواهینامه و نه مدرک تحصیلی عالی منجر می‌شود که برای کارایی معتبر و مورد توجه است. این امر سبب عدم گرایش به پدیده مدرک‌گرایی گردیده است.

— میزان تمرکز اداره امور آموزش عالی در کشورهای منتخب از نظر وزارتخانه متولی کمتر از ایران است. برعکس نحوه مشارکت افراد موجود در آموزش عالی در اداره دانشگاه‌ها و حتی برنامه‌های آموزشی و درسی در آنها فراگیرتر از شرایط ایران است.

۲-۵- نتایج حاصل از ارزیابی جریان‌های مختلف عرضه آموزش عالی در ایران بیانگر موارد زیر است:

- بررسی نحوه پیدایش جریان‌های مختلف آموزش عالی نشان داد که هر یک از این جریان‌ها براساس اساسنامه‌های مدون و مصوب به وجود آمده‌اند، اما خلاء موجود برای ضرورت ادامه فعالیت همه این جریان‌ها و اثربخشی آنها در شرایط فعلی به هیچ وجه شفاف نیست.

- کلیه جریان‌های عرضه در آموزش عالی از جریان آموزش عالی دولتی - حضوری الگوبرداری کرده‌اند و فعالیتی مشابه این جریان را از نظر شیوه پذیرش، شیوه آموزش و ... داشته‌اند.

- بررسی اساسنامه‌های مربوط به تاسیس جریان‌های مختلف عرضه، گویای آن است که اکثر این اساسنامه‌ها از جامعیت لازم برای فعالیت آن جریان برخوردار نیست.

- گسترش و توسعه جریان‌های عرضه نیروی انسانی متخصص در آموزش عالی در ایران از بدو فعالیت تاکنون نامتوازن و خطی بوده است. این توسعه در افزایش تعداد مراکز آموزشی وابسته به هر جریان و تعداد رشته‌های تحصیلی، تعداد پذیرفته‌شدگان، دانشجویان و فارغ‌التحصیلان آن بازتاب یافته است.

تربیت

- هدف اصلی فعالیت کلیه جریانهای عرضه آموزش عالی توسعه کمی بوده است. تحقق این هدف در کلیه جریانهای عرضه آموزش عالی به ویژه در بخش دولتی - نیمه حضوری و غیردولتی از هدفهای کمی برنامه فراتر رفته است.
- هدفهای کمی منظور شده در برنامههای توسعه بخش آموزش عالی از شفافیت لازم برخوردار نیست. به عبارت واضح تر نمیتوان در صورت داشتن عملکرد کمی هر یک از جریانها، این عملکرد را در قیاس با اهداف کمی متناظر قرار داد.
- به دلیل منظور نشدن اهداف کیفی برای هر یک از جریانهای عرضه آموزش عالی در برنامههای توسعه (به استثناء برنامه اول که تاحدودی سیاستهای اجرایی و اهداف کمی تعداد بیشتری از جریانها از جمله مراکز تربیت معلم، آموزش فنی - حرفه‌ای و دولتی - حضوری مد نظر قرار گرفته است)، در بررسی عملکرد جریانها نمیتوان به صراحت اظهار نمود که این جریان در راستای کدام یک از سیاستهای اجرایی پیش‌بینی شده بود و یا به عبارتی کدام مشکل را مرتفع نموده و میزان موفقیت کیفی آن چه اندازه بوده است.
- تفاوتی بین مراکز متعدد وابسته به یک جریان از نظر رتبه یا شرایط علمی ملاحظه نمی‌گردد و نحوه برخورد یک جریان عرضه (مثل دولتی - حضوری) با کلیه واحدهای وابسته به آن تقریباً به یک شیوه و طریق است. (از جمله نحوه برخورد وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با دانشگاه تهران و دانشگاه یاسوج به عنوان قدیمی‌ترین و جدیدترین دانشگاه‌های کشور).
- علیرغم توسعه جریان عرضه آموزش عالی علمی - کاربردی به موازات آموزشهای فنی و حرفه‌ای طی سالهای اخیر، سمت و سوی فعالیت این جریان در تامین یا آموزش نیروی انسانی متخصص مورد نیاز در مجموعه نظام آموزش عالی و برنامههای توسعه مشخص نمی‌باشد.
- روشهای آموزشی و امکانات پیش‌بینی شده برای برخی از جریانها (از جمله جریان عرضه آموزش عالی نیمه حضوری) منطبق با نظام آموزشی طراحی شده برای آن جریانها نبوده است.
- کیفیت برخی از جریانهای آموزش عالی مانند دوره‌های معادل به دلیل پیش‌بینی نکردن و یا حذف برخی از الزامات اصلی در برنامه‌ریزی درسی آنها مانند حذف تدوین رساله

در دوره‌های کارشناسی ارشد معادل (که فعالیت این مقطع نیز مغایر با هدف‌های اساسنامه مربوطه است) مورد تردید بیشتری است.

- علی‌رغم آن که «ارتقاء کیفیت» یکی از اهداف اصلی برنامه‌های توسعه بلند مدت بخش آموزش عالی بوده است. اما شاخص‌های کیفی مربوط به جریان‌های عرضه آموزش عالی (به ویژه در بخش غیردولتی و دولتی غیرحضوری) گویای افت کیفی آنهاست.

- تفاوت‌های فاحشی بین هزینه‌های سرانه تربیت یک نیروی انسانی در یک رشته یا گروه آموزشی بین جریان‌های مختلف آموزش عالی وجود دارد. این امر نشانگر تمرکز بیشتر منابع دولتی در یک جریان و محدودیت آن در جریان دیگر است. فاصله این تفاوت در بخش غیردولتی (دانشگاه آزاد) با بخش دولتی بسیار زیاد است. البته پاره‌ای دیگر از علل (ازجمله تعداد دانشجویان و محل استقرار واحدهای وابسته به یک جریان از نظر جغرافیایی و ۰۰۰) نیز برای این تفاوت قابل ذکر است.

- نظام نظارت و ارزیابی بر نحوه عملکرد هر یک از جریان‌های عرضه نیروی انسانی در بخش آموزش عالی بسیار مبهم است. انجام این وظیفه می‌توانست موجب اصلاح جریان‌ها همزمان با فعالیت آنها شود. بررسی‌های متعدد نشان داد جز پاره‌ای از گزارشات نظارتی که توسط دفاتر بخشی سازمان برنامه و بودجه (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی فعلی) تهیه شده و هیچ ضمانتی برای عمل هم در آنها دیده نمی‌شود، هیچ گزارش دیگری در راستای انجام این وظیفه وجود ندارد.

- اطلاعات لازم در مورد پیگیری وضعیت فارغ‌التحصیلان از نظر اشتغال آنان پس از فراغت از تحصیل تقریباً وجود ندارد.

۶- جمع‌بندی و توصیه‌های کاربردی:

۶-۱- جریان عرضه آموزش عالی دولتی - حضوری، پزشکی و غیرپزشکی (روزانه - شبانه): عدم تطابق فعالیت‌های آموزشی در بیشتر جوامع امروزی با نیازها، شرایط و مسائل زندگی روزمره

به طور یقین یکی از مهمترین علل سرخوردگی نسل جوان از دانش اندوزی و دانش آموزی به و تطابق هدفها و

— تدوین آیین‌نامه اجرایی برنامه تربیت، جذب و بهبود ترکیب اعضای هیات علمی دانشگاهها و منظور کردن تسهیلات برای اعضای هیات علمی براساس ارزیابی عملکرد علمی و شایستگی اساتید.

می‌تواند راهگشا باشد.

دوره‌های شبانه این دوره‌ها به منظور «تسریع در تامین نیروی انسانی متخصص و مورد نیاز کشور و رفع کمبود نیروی انسانی مورد نیاز مناطق محروم» و همچنین «فراهم نمودن امکانات ادامه تحصیل شاغلین با تاکید بر انعقاد قرارداد با دستگاههای اجرایی» و در نهایت پاسخگویی به تقاضای اجتماعی آموزش عالی دایر گردیده است تا با استفاده حداکثر از امکانات موجود در دانشگاهها و موسسات آموزش عالی و بهره‌گیری از امکانات مردمی در تامین بخشی از هزینه‌های آموزشی، اهداف فوق محقق گردد. هرچند عرضه نیروی انسانی متخصص در این دوره‌ها مورد استقبال دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی دولتی بوده است لیکن توسعه فعالیت آموزشی آنها به ویژه در مقاطع مختلف تحصیلی عمدتاً به سوی پاسخگویی به تقاضای اجتماعی به جای تربیت نیروی انسانی متخصص شاغل بوده است و با توجه به رشد فزاینده تعداد دانشجویان و محدودیت امکانات آموزشی از جمله محدودیت تعداد اعضاء هیات علمی، آثاری مانند ادغام برخی کلاس‌های دوره‌های شبانه و روزانه با یکدیگر، تحمیل بخش اعظم هزینه‌های این دوره‌ها به منابع عمومی (دولتی) دانشگاهها به جای منابع درآمدی حاصل از فعالیت این دوره‌ها را داشته است. بروز این آثار تجدید نظر جدی را در اهداف و نحوه فعالیت این جریان عرضه نیروی انسانی متخصص ضروری می‌نمایاند.

۲-۶ - جریان عرضه آموزش عالی دولتی علمی - کاربردی: در نظام آموزش‌های علمی - کاربردی هدف اصلی انتقال و ارتقای دانش و فن‌آوری، کار و ایجاد مهارت و توانایی در افراد شاغل است. همچنان که از اهداف آموزش‌های علمی - کاربردی روشن است، در این جریان بر آموزش‌های عملی و حرفه‌ای تاکید می‌شود. بنابراین، برخلاف نظام آموزش عالی رایج، که براساس خط‌مشی موضوعی شکل گرفته است، در این روش محتوای دروس هر دوره براساس هدف‌های نظام آموزشی و تجزیه و تحلیل مشاغل تعریف می‌شوند. بنابراین،

سمت‌گیری برنامه‌های آموزشی علمی - کاربردی متوجه مهارت‌های شغلی و حرفه‌ای شده و گرایش عمده بر دورس عملی و به وجود آوردن زمینه‌های کسب تجربه خواهد شد.

بر مبنای اهداف، ماهیت و ویژگی‌های این جریان از آموزش عالی توجه به سه نکته اصلی پیشنهاد می‌گردد. نخست آن که براساس اهداف منظور شده، این آموزش‌ها عمدتاً برای کارایی بهتر افراد شاغل طراحی گردیده‌اند. در حالی که عملکرد این جریان آموزشی حکایت از افزایش داوطلبان آزاد شرکت کننده در کنکور آن دارد. به گونه‌ای که در کنکور سوم این جریان نسبت داوطلبان شاغل و آزاد در حدود هم و در حد ۵۰ درصد کل داوطلبان بوده است. دوم آنکه این آموزش‌ها با مشارکت دستگاههای اجرایی و بنگاههای اقتصادی متقاضی ارائه گردد. بررسی سازمان‌های متقاضی در این جریان نیز نشان می‌دهد که تعداد سازمان‌های متقاضی در کنکورهای سراسری علمی - کاربردی اگر چه در کنکور دوم از ۲۳ سازمان در کنکور اول به ۳۷ سازمان افزایش یافته است. لیکن تعداد این سازمان‌ها در کنکور سوم به ۳۱ سازمان و آنهم عمدتاً دولتی کاهش یافته است [۵]. این امر ضرورت فعالیت این جریان را در حد تقاضای مربوط به نیاز آن به ویژه در سازمان‌های دولتی متذکر می‌گردد. سوم آن که برنامه درسی این دوره‌ها به گونه‌ای طراحی شود که تغییرات لازم در میزان توانایی و مهارت کارکنان برای انجام دادن کار، حرفه‌ها و مشاغل متعدد را ایجاد نماید. بررسی اجمالی برنامه درسی این دوره‌ها گویای تمرکز این برنامه‌ریزی برای کلیه مراکز است. در حالی که جهت تدوین دروس مربوط به این دوره‌ها، بایستی از تحلیل شغلی مبتنی بر پاره کارها و وظایف جزء به جزء آتی هنرجو متناسب با محل خدمت او مدد جست، که این امر خود طلب می‌کند که برنامه درسی این گروه در ارتباط تنگاتنگ با مراکز خدماتی و صنعتی با توجه به مکان‌یابی فعالیت‌ها و شناخت قابلیت‌های اقتصادی در مناطق مختلف کشور برنامه‌ریزی گردد و نباید نسخه واحدی را بدون در نظر گرفتن نیازهای شغلی آتی برای کلیه مراکز و مناطق از پیش تعیین کرد. به عبارت دیگر جهت تدوین برنامه‌های درسی این نوع آموزش‌ها بایستی به صورت غیرمتمرکز عمل کرد و به صورت متمرکز نظارت مستمر بر اجرا داشت [۶].

۳-۶- جریان عرضه آموزش عالی دولتی، مؤسسات وابسته به سایر وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی: بررسی اساسنامه مراکز آموزش عالی وابسته به سازمان‌های دولتی نشان داد که مهمترین هدف فعالیت آنها، تربیت نیروی انسانی متخصص مورد نیاز دستگاه متبوع بوده است. علاوه بر آن استفاده از امکانات دستگاههای مذکور و بهره‌گیری از نیروی انسانی کارآمد شاغل و آشنا به وظایف و اهداف دستگاهها برای بهبود کیفیت آموزش‌ها از طریق توأم ساختن آموزش‌های نظری با دروس کارورزی و کارآموزی از دیگر موارد پیش‌بینی شده برای شروع فعالیت آموزش عالی در دستگاههای اجرایی بوده است.

با توجه به این که فلسفه وجودی مراکز آموزش عالی وابسته به سازمان‌های دولتی تربیت نیروی انسانی مورد نیاز سازمان تابعه است. علی‌القاعده آموزش‌های این قبیل مراکز و برنامه‌های درسی آن باید کاملاً مرتبط با نیازهای مؤسسات تابعه بوده و نیازهای کمی و کیفی آنان را به گونه‌ای که سایر دانشگاهها و مراکز آموزش عالی (به لحاظ ظرفیت‌های موجود و یا به لحاظ تفاوت محتوی دوره) از عهده آن برنایند. و یا برقراری رابطه بین مهارت‌ها و نیازهای شغلی سازمان‌های دولتی با آموزش‌های دانشگاهها و مراکز آموزش عالی امکان‌پذیر نباشد. اما عملکرد فعالیت این جریان عرضه نیروی انسانی متخصص نشان می‌دهد که:

— در مورد ایجاد و گسترش مراکز آموزش عالی وابسته به دستگاههای اجرایی، تعدد مراکز تصمیم‌گیری وجود دارد (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای گسترش آموزش عالی، شورای آموزش‌های علمی و کاربردی، سازمان امور اداری و استخدامی سابق) به گونه‌ای که امکان کنترل، نظارت و هماهنگی در نحوه و چگونگی توسعه مراکز آموزش عالی وابسته به سازمان‌های دولتی و همچنین سیاست‌گذاری برای فعالیت آنها را خدشه‌دار نموده است.

— بیشتر رشته‌های تحصیلی دائر در این جریان مشترک با رشته‌های تحصیلی دائر در سایر دانشگاهها و مراکز آموزش عالی است.

— برنامه‌های درسی رشته‌های فعال در این مراکز در مقایسه با سایر دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی تشابه دارد و این برنامه به تصویب شورای عالی برنامه‌ریزی رسانده شده است.

— سطح علمی پذیرفته‌شدگان این جریان نسبت به پذیرفته‌شدگان برخی جریان‌های دیگر آموزش عالی (دولتی - حضوری) پایین‌تر و هزینه سرانه مربوط به آموزش دانشجویان آن بالاتر از بهترین دانشگاهها و موسسات آموزش عالی در یک رشته خاص است. پیشنهادهای زیر برای بهبود وضعیت این جریان عرضه نیروی انسانی متخصص قابل طرح است:

— فعال کردن واحدهای آموزش در وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی برای ارائه آموزش‌های ضمن خدمت و دوره‌های کوتاه مدت برای پرکردن خلاء موجود بین دانش و مهارت فارغ‌التحصیلان دانشگاهها و مراکز آموزش عالی با نیازهای شغلی به جای گسترش کمی مراکز آموزش عالی وابسته.

— محدود ساختن اجازه فعالیت آموزش عالی در دستگاههای اجرایی (به استثناء موارد خاص مانند وزارت اطلاعات) با توجه به توسعه ظرفیت‌های آموزش عالی در کشور و امکانات موجود در آن برای تربیت نیروی انسانی متخصص موردنیاز کلیه دستگاههای اجرایی. تجمع امکانات فیزیکی و منابع مالی مربوط به فعالیت آموزش عالی در دستگاههای اجرایی در وزارتخانه متولی از طریق تصویب قوانین لازم [۷].

۴-۶- جریان عرضه آموزش عالی دولتی، نیمه حضوری (پیام نور): به دلیل نیاز به گسترش موقعیت‌های یادگیری در سطوح مختلف برای افرادی که به دلایل گوناگون امکان دستیابی به آموزش را ندارند، آموزش باز یا از راه دور به وجود آمده است. برای مثال محدودیت‌های اقتصادی و زمانی که مرتبط با مسئولیت‌های شغلی و خانوادگی است و بعد مسافت مراکز آموزشی از جمله عواملی هستند که نیاز به آموزش از راه دور را مسلم می‌نمایند. این نظام، یادگیری را فرآیند مستمر و مادام‌العمر می‌داند که پیشرفت‌های فرهنگی و حرفه‌ای را فراهم می‌سازد، مهارت‌های فنی را افزایش می‌دهد و عموم مردم را ترغیب می‌کند تا همواره از مباحث علمی و پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیکی آگاه باشند.

هدف طراحان آموزشی در این نظام این است که با استفاده از عوامل جدید و با تغییر وزن و نقش عوامل قدیم یادگیری دانشجو را جایگزین تدریس به شیوه معمول نمایند. در این

روش کلاس‌ها فقط برای رفع اشکال فراگیران تشکیل می‌شوند و به عبارتی اساس این نوع
II فراگیران تکنولوژیکی است. به همین جهت

— ایجاد یک شبکه جدید و مستقل در سیما برای استفاده در امر آموزش در تمام سطوح.

— اتخاذ و اجرای شیوه مدیریت متناسب و هماهنگ با الزامات نظام آموزش از راه دور.

۵-۶- جریانهای عرضه آموزش عالی غیردولتی (دانشگاه آزاد اسلامی و مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی): نقش اصلی نظام آموزش عالی، تربیت نیروی انسانی متخصص در سطوح عالی و یا در واقع تامین «سرمایه انسانی» مورد نیاز کشور است. از آنجا که «سرمایه انسانی» در نهایت خصوصیت و روند توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور را تعیین می‌کند. از این رو بهادادن به آن از اهمیت بسیاری برخوردار است. بنابه دلایل فوق است که گسترش آموزش عالی در ایران به لحاظ کمی و کیفی در سالهای اخیر، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر گردید. لیکن از آنجا که امکانات بودجه عمومی دولت نمی‌توانست جوابگوی گسترش فوق باشد، لذا توسعه و تجهیز جریان دیگری از آموزش عالی تحت عنوان آموزش عالی غیردولتی (دانشگاه آزاد اسلامی و مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی) در سالهای اولیه پس از انقلاب اسلامی (سال ۱۳۶۱) شکل گرفت. بررسی عملکرد تاسیس و فعالیت مراکز غیردولتی اگر چه دارای نقاط مثبتی مانند پاسخگویی به بخشی از تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی، تامین بخشی از نیروی انسانی متخصص مورد نیاز کشور، کمک به گسترش آموزش عالی در کشور به طور اعم و ایجاد واحدهای دانشگاهی در برخی نقاط محروم کشور بوده است. لیکن توجه این جریان آموزش عالی به توسعه و رشد خطی تعداد دانشجویان سبب بروز پاره‌ای نقاط ضعف جدی برای آن گردیده است که برخی از آنها را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

- عدم تناسب رشد فزاینده تعداد دانشجویان با امکانات فیزیکی و انسانی موجود.
- ساخت توزیعی نامناسب دانشجویان بین گروههای آموزشی، سطوح تحصیلی و مناطق جغرافیایی.
- پایین بودن شاخصهای کیفیت تحصیلی به دلیل کمبود اعضای هیات علمی و رتبه‌های علمی آنان و فضاهاى فیزیکی.

- ایجاد برخی واحدها و رشته‌ها بدون مطالعات لازم و امکانات موجود.
- فقدان یا ضعف نظام برنامه‌ریزی و نظارت و ارزیابی.
- تمرکز گرایی در اداره امور واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی ایران.
- سیاست‌های پیشنهادی برای این جریان آموزش عالی را می‌توان به قرار زیر ذکر کرد:
- مشخص کردن جایگاه و رسالت دانشگاه آزاد اسلامی در نظام آموزش عالی کشور
- از طریق تدوین برنامه‌های بلندمدت و کوتاه مدت در قالب برنامه‌های توسعه آموزش‌های عالی کشور.
- توسعه کمی مطابق با اهداف کمی برنامه سوم در سال‌های آتی به همراه تغییر الگوی پذیرش دانشجو در جهت بهبود ساختار توزیعی دانشجویان میان گروه‌های آموزشی و سطوح تحصیلی.
- توجه به انجام سرمایه‌گذاری‌های مناسب فیزیکی و تجهیزاتی متناسب با گسترش‌های آتی.
- بهبود وضع شاخص نسبت دانشجو به استاد و مرتبه علمی اساتید از طریق جذب متخصصین ایرانی مقیم خارج از کشور برای عضویت در هیات علمی، جذب دانشجویان دوره‌های دکتری دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی از طریق اعطای بورس‌های تحصیلی، ایجاد فرصت‌های مطالعاتی برای ارتقای سطح علمی اعضای هیات علمی موجود.
- تمرکززدایی در اداره امور واحدهای دانشگاه‌های آزاد اسلامی و دادن اختیارات لازم به واحدهای آموزش عالی مستقر در مناطق.

۶-۶- سایر جریان‌های عرضه نیروی انسانی متخصص (دوره‌های آزاد و معادل): از میان رسالت‌هایی که برای آموزش عالی در نظر گرفته می‌شود بالابردن مهارت‌های کاربردی افراد جامعه و تامین نیروی انسانی متخصص، برجسته‌تر از بقیه رسالت‌های دانشگاه به نظر می‌رسد. بالا بردن مهارت‌ها می‌تواند هم از طریق آموزش‌های رسمی که با دروس مصوب تدریس می‌شود، باشد و هم از طریق آموزش‌های غیررسمی. از طرف دیگر فشار بودجه‌ای دولت‌ها برای تامین هزینه‌های بالای آموزش عالی باعث شده است که دانشگاه‌ها و موسسات آموزش

عالی در پی راههای جدیدی برای تامین منابع مالی خود باشند. آموزش‌های عالی آزاد در هر دو زمینه می‌تواند موثر باشد. این آموزش‌ها به صورت بالقوه نقش بسزایی در بالابردن کیفیت نیروی انسانی متخصص و در نتیجه افزایش سرمایه انسانی کشور دارد و فارغ از مسائل مربوط به مدرک‌گرایی، سطح توانایی‌ها و مهارت‌های افراد را به صورت واقعی افزایش دهد.

علاوه بر این آموزش‌های عالی آزاد می‌تواند برای فارغ‌التحصیلان دوره متوسطه که موفق به قبولی در دانشگاه و در دوره‌های رسمی دانشگاهی نشده‌اند و به دنبال کسب مهارت برای شغلیابی هستند، افرادی که علاقمند یا مجبور به تغییر شغل هستند و تمام کسانی که در صدد کسب علوم و مهارت‌های گوناگون هستند، موثر باشد.

لیکن بررسی عملکرد این جریان آموزش عالی در ایران و مقایسه آن با شرایط جهانی نشان داد که به دلیل وابستگی شدید دانشگاه‌های دولتی به منابع بودجه عمومی که آن هم از درآمدهای نفتی حاصل می‌شود، دانشگاه‌ها در زمینه ابداع روش‌های متنوع تامین منابع مالی (با حفظ رسالت‌های اصلی دانشگاهی) بسیار ضعیف عمل کرده‌اند و آنچه که دانشگاه‌ها در قالب دوره‌های غیررسمی ارائه داده‌اند بیشتر به دوره‌های معادل برمی‌گردد که کاری سهل و آسان است، چرا که همان برنامه‌های آموزشی دوره‌های رسمی را با کیفیتی پایین‌تر (به دلیل کیفیت پذیرفته شدگان) انجام داده‌اند و تلاشی در جهت طراحی دوره‌های آموزش عالی آزاد (کوتاه مدت و تکدرس) به خرج نداده‌اند.

در مورد موانع گسترش آموزش عالی آزاد در دانشگاه‌های ایران، علاوه بر علت اتکای دانشگاه‌ها به بودجه عمومی، عدم آگاهی دانشگاه‌ها، شرکت‌های تولیدی و آحاد مردم نسبت به فایده‌ها و منافع این دوره‌ها نیز دخالت داشته است. به عبارت دیگر نه فقط طرف عرضه این دوره‌ها (دانشگاه‌ها) بلکه طرف تقاضا (بنگاه‌های اقتصادی و افراد) نیز باید اطلاعات و آگاهی بیشتری نسبت به آموزش عالی آزاد کسب کنند. به منظور دستیابی به این آگاهی موارد زیر در مورد سایر جریان‌های آموزش عالی (به ویژه آموزش‌های آزاد) مورد پیشنهاد است.

— توقف کامل دوره‌های معادل در کلیه سطوح تحصیلی با توجه به گسترش ظرفیت‌های آموزشی در کلیه رشته‌ها در دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی دولتی و

غیردولتی و با عنایت به امکان تامین نیروی انسانی متخصص مورد نیاز کشور از طریق نظام‌های مختلف عرضه نیروی انسانی متخصص.

— قائل شدن ارزش استخدامی برای دارندگان گواهینامه‌های دوره‌های آموزش عالی آزاد یا اولویت دادن به مدرک این آموزش‌ها در امر استخدام.

— تدوین ساز و کارهای مناسب برای ایجاد ارتباط بین بنگاه‌های اقتصادی و افراد (طرف تقاضا) و مراکز آموزشی (طرف عرضه) در زمینه شناخت خدمات آموزشی مورد نیاز.

— ایجاد و تقویت واحدهای کارشناسی و برنامه‌ریزی آموزشی و درسی در وزارتخانه‌های متولی و دانشگاهها جهت طراحی و اجرای برنامه‌های آموزش عالی آزاد [۸] .

فهرست منابع:

- ۱- چن، اف، پیش‌بینی نیاز به نیروی انسانی متخصص، ترجمه حسن طائی، گزیده مقالات دایرةالمعارف آموزش عالی، جلد اول، موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، تهران، ۱۳۷۶ .
- ۲- وودهال، ام، توسعه اقتصادی و آموزش عالی، ترجمه هادی شیرازی بهشتی، گزیده مقالات دایرةالمعارف آموزش عالی، جلد اول، موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ۱۳۷۶ .
- ۳- علاقه‌بند، علی، مقدمات مدیریت آموزشی، تهران، انتشارات رز، ۱۳۶۲ .
- ۴- پروند، محمدحسین، مقدمات برنامه‌ریزی آموزشی، تهران، ۱۳۵۱ .
- ۵- دانشگاه جامع علمی - کاربردی، شماره چهارم، ۱۳۷۸ .
- ۶- آشنایی با آموزش‌های عالی بلند مدت علمی - کاربردی، دانشگاه جامع علمی - کاربردی، ۱۳۷۷ .
- ۷- محسنی‌نیا، تاج‌محرابی، بررسی رابطه بین بازار کار و آموزش‌های موجود در سطوح عالی و فنی و حرفه‌ای، تهران، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۶ .